

## پیشگفتار

و توسعه را گرفته یا جریان آنرا دشوار کرده است از میان ببرند. این بدان معنی است که آنها ناگزیر باید راه مدرنیته را پیمایند.<sup>۷</sup> به سخن دیگر، باید سیستمی بر پایه بازار آزاد، روحیه کار آفرینی،<sup>۸</sup> گرایشهای فکری اجتماعی تازه،<sup>۹</sup> آزادیهای سیاسی و اقتصادی فردی، آسانسازی تغییر موقعیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی افراد،<sup>۱۰</sup> حکومت قانون و... به کار گیرند.<sup>۱۱</sup>

ادبیات توسعه<sup>۱۲</sup> دربرگیرنده بسیاری کتابها و مقالات است، استوار بر این باور که تجارت آزاد بین الملل و سرمایه گذاری خارجی همواره نه تنها سودی برای کشورهای جهان سوم<sup>۱۳</sup> نداشته بلکه در بیشتر موارد به فقر آنها نیز کمک کرده است؛<sup>۱۴</sup> به سخن دیگر، بازرگانی و سرمایه گذاری خارجی مانعی در راه توسعه کشورهای جنوب بوده است.<sup>۱۵</sup> بدین سان که کشورهای مرکزی (متروپلها) سود (ارزش افزوده) ناشی از تجارت و سرمایه گذاری خارجی را، به جای سرمایه گذاری دوباره در کشورهای پیرامونی، از آنها بیرون می برند و در نتیجه باعث رکود کشورهای پیرامونی و رونق کشورهای مرکزی شده اند و می شوند.<sup>۱۶</sup> در این چارچوب تازه، تئوری وابستگی، رهایی و فروپاشی<sup>۱۷</sup> اورتودکسی و معرفی یک پارادایم تازه در تجزیه و تحلیل پدیده توسعه را جشن می گیرد.<sup>۱۸</sup>

تئوری وابستگی و همچنین تئوری سیستم جهانی در توضیح دینامیک توسعه نیافتگی (عقب ماندگی) اقتصادی موفق نبوده است و نتوانسته روشن کند که آیا توسعه نیافتگی اقتصادی وضعی گذرا یا همیشگی است؛ اما با این بحث که کشورهای پیرامونی جهت گیریهای خود را برای انطباق با کشورهای مرکز (متروپل) عوض می کنند ولی از حالت توسعه نیافتگی خارج نمی شوند، این وضع را همیشگی نشان می دهد. بنابراین، تهاراه رهایی کشورها از مصیبت توسعه نیافتگی (عقب ماندگی) اقتصادی این است که استقلال خود را به دست آورند و همه پیوندهای خود را با کشورهای مرکزی (متروپل) که جلو توسعه اقتصادی آنها را گرفته اند، بگسلند؛ به سخن دیگر،

چرا همه کشورهای نتوانسته اند در زمینه رشد و توسعه اقتصادی موفق باشند؟ در نیمه دوم سده گذشته تلاشهای بسیاری برای شناخت علل موفقیت معدودی و ناکامی بیشتر کشورها صورت گرفته است.<sup>۱</sup> ولی همه این تلاشها به پیدایش راهکاری پذیرفتنی، انعطاف پذیر، و قابل فهم برای تجزیه و تحلیل مسائلی که کشورهای جنوب با آنها دست به گریبانند نینجامیده است.

نئو کلاسیکها، با این باور که تقسیم کار و تخصص با زدهی را افزایش می دهد و در نتیجه تولید بالا می رود و رفاه عمومی گسترده تر می شود،<sup>۲</sup> طرفدار تجارت بین الملل آزاد و بازار باز برای همه کشورهای بوده اند و هستند.<sup>۳</sup> آنان معتقدند که رشد اقتصادی سطح رفاه را برای همگان افزایش می دهد<sup>۴</sup> و در این زمینه فرقی میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه نمی بینند. آنان قوانین اقتصادی را کلی و قابل استفاده برای تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی همه کشورهای شمال و جنوب می دانند و بر سر هم برآند که نیازی به دیگر تئوریهای توسعه برای کشورهای فقیر جنوب نیست.

تئوریهای توسعه سرمایه داری که بر پایه تئوریهای نئو کلاسیک نوشته شده است کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را در چارچوب جوامع یا اقتصادهای دو گانه تجزیه و تحلیل می کند<sup>۵</sup> و برخاسته از این باور است که در کشورهای در حال توسعه ویژگیهایی که لازمه توسعه است و در کشورهای توسعه یافته دیده می شود، وجود ندارد.<sup>۶</sup> همچنین، این گونه کشورهای ویژگیهایی دارند که جلوی رشد و توسعه را گرفته یا دست کم این روند را دشوار کرده است؛ ویژگیهایی که کشورهای توسعه یافته در گذشته آنها را از میان برداشته یا وجود آنها را در سیستم خود کمرنگ تر کرده اند. بنابراین، برای توسعه یافتن، کشورهای در حال توسعه نیز باید همانند کشورهای توسعه یافته عوامل و زمینههایی را که لازمه توسعه است شناسایی کنند و گسترش دهند و آنچه جلوی رشد

## سرمایه گذاری یا پس انداز، کدام یک باید نخستین هدف سیاستهای پولی و مالی باشد؟

دکتر حمید زنگنه

استاد اقتصاد کلان و بین الملل

در دانشگاه وایدنر چستر، نیسولانیا

اصلی سرمایه‌گذاری اندک است. تا این مسئله کلیدی حل نشود، کشورهای جنوب کاری از پیش نخواهند برد.

### انباشت سرمایه

پیش از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که سیاستهای مالی و پولی در جهت تشویق سرمایه‌گذاری با پس‌انداز مسئله‌ای است که گریبانگیر همه است و در این مورد میان دارا و ندار فرقی نیست ولی برای کشورهای تهیدست که منابع مالی محدودتری دارند چاره‌ناپذیرتر است. پرسش این است که کدامین راه معقول‌تر است و پایه علمی محکمتری دارد؟ برای یافتن پاسخ باید دید که آیا افزایش سرمایه‌گذاری سرانجام سبب افزایش پس‌انداز می‌شود یا افزایش پس‌انداز بی‌چون و چرا سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی را به دنبال خواهد داشت؟ پاسخ این پرسش روند سیاستهای مالی و پولی دولت و بانک مرکزی را روشن‌تر می‌کند. اگر سرمایه‌گذاری لازمه رشد و توسعه است، دولت باید منابع خود را در این راه مصرف کند و گرنه باید منابع محدود خود را برای افزایش پس‌انداز عمومی به کار گیرد تا موتور رشد و توسعه به کار افتد.

می‌دانیم که پس‌انداز عمومی و سرمایه‌گذاری لازم و ملزوم یکدیگرند و همبستگی آماری آنها بسیار نیرومند است<sup>۲۲</sup> ولی اقتصاددانان در مورد

آنها تنها راه رسیدن به توسعه اقتصادی را استقلال اقتصادی می‌دانند بی‌اینکه این استقلال را تعریف و چارچوب آن را معرّفی کنند. پاره‌ای از دست‌اندرکاران، آنرا به معنی قطع مناسبات سیاسی و اقتصادی گرفته‌اند و در این روند خسارات هنگفتی به کشور خود زده‌اند.<sup>۲۰، ۲۱</sup> به هر رو این نظریه‌پردازان در زمینه توسعه، به دست آوردن و انباشت سرمایه، و دستیابی به تکنولوژی پیشرفته را نیز تعریف نکرده‌اند و توضیح نداده‌اند. در اینجا پرسش این است که مسئله مهم کشورهای در حال توسعه چیست و چگونه می‌توان آنرا حل کرد؟

به نظر می‌رسد که کمابیش همه می‌پذیرند که مسئله بنیادی کشورهای در حال توسعه در گذشته و حال و آینده، به دست آوردن و انباشت سرمایه و تکنولوژی بوده، هست، و خواهد بود.

بر سر هم، کشورهای جنوب در سایه سطح پایین درآمد، نتوانسته‌اند و نمی‌توانند سرمایه و تکنولوژی پیشرفته به دست آورند و انباشت کنند. سطح پایین درآمد باعث کم بودن پس‌انداز آنها بوده و بی‌پس‌انداز هم سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست.<sup>۲۱</sup> ولی سطح پایین سرمایه‌گذاری یکی از متغیرهای مهم برای توضیح پایین بودن سطح درآمد این کشورها است. بنابراین چنین می‌نماید که آنها در یک «چرخه معلول» گرفتار آمده‌اند: سرمایه‌گذاری کم به درآمد پایین و در نتیجه به پس‌انداز اندک می‌انجامد و این، به نوبه خود علت

○ در نیمه دوم سده گذشته تلاشهای بسیار برای شناخت علل موفقیت معدودی و ناکامی بیشتر کشورهای صورت گرفته است. ولی همه این تلاشها به پیس‌دایش راهکاری پذیرفتنی، انعطاف‌پذیر، و قابل فهم برای تجزیه و تحلیل مسائلی که کشورهای جنوب با آنها دست به گریبانند نینجامیده است.

جدول شماره ۱

Name of the variable نام متغیر	D-F test statistic آمار دیککی فولر	Critical value at 1% مقادیر بحرانی در ۱٪
DRPI: change in real private investment تغییر سرمایه‌گذاری خصوصی به بهای ثابت RPI-RPI <sub>t-1</sub>	-5.675	-3.605
DRS: change in real private saving تغییر پس‌انداز خصوصی به بهای ثابت RS-RS <sub>t-1</sub>	-6.509	-3.605
DRYD: change in real income تغییر درآمد ملی به بهای ثابت RYD - RYD <sub>t-1</sub>	-5.277	-3.621

درصد پایا است.<sup>۲۲</sup>

### ب- علیت گرنجر

برآوردهای معادلات با سیستمهای اقتصادسنجی لزوماً علیت را نشان نمی‌دهد و تنها وابستگی یک متغیر به گروهی از متغیرها را روشن می‌کند ولی شناخت علیت، بویژه برای سیاست‌گذاران، اهمیت بسیار دارد. از این رو سیستم علیت گرنجر ابداع شده است که می‌تواند تقدم و تأخر متغیرها را نشان دهد؛ یعنی می‌تواند بگوید که چه چیز پیش و چه چیز پس از دیگری پیش می‌آید.

در معادله شماره یک، فرض بر این است که همه اطلاعات لازم برای پیش‌بینی درآمد ملی، در آمارهای مربوط به درآمد ملی در سالهای پیش و در آمارهای سرمایه‌گذاری خصوصی نهفته است. همچنین در معادله شماره دو فرض بر این است که همه اطلاعات لازم برای پیش‌بینی سرمایه‌گذاری خصوصی در آمارهای مربوط به درآمد ملی و در آمارهای سرمایه‌گذاری خصوصی در سالهای پیش وجود دارد. برای وجود علیت یک طرفه از سرمایه‌گذاری خصوصی به درآمد ملی باید پارامترهای الف در معادله شماره یک و پارامترهای لمبدا در معادله شماره دو از نظر آماری با معنی باشد.

تقدم سرمایه‌گذاری بر پس‌انداز یا برعکس، برای آغاز رشد و توسعه، چندان توافق نداشته‌اند؛ بدین معنی که روشن نبوده است که پس‌انداز بیشتر باعث سرمایه‌گذاری، رشد و توسعه اقتصادی می‌شود یا باید راه توسعه را با سرمایه‌گذاری آغاز کرد (سرمایه‌گذاری - رشد - پس‌انداز، یا پس‌انداز - رشد - سرمایه‌گذاری). تاکنون همه بر این پندار بوده‌اند که دولت باید سرمایه‌گذاری را تشویق کند زیرا تشویقهای مالی و پولی سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران سود به دست آمده از سرمایه‌گذاری خود را دوباره سرمایه‌گذاری کنند و رشد و توسعه آغاز می‌شود.<sup>۲۳</sup>

### نتایج آماری

#### الف- منبع آمارها

همه آمارهایی که برای برآوردهای آماری (اقتصادسنجی) در این پژوهش به کار گرفته شده، آمارهای دولتی ایران موجود در فایل‌های الکترونیک صندوق بین‌المللی پول بوده است. گفتنی است که همه آمارهای اقتصاد کلان ایران مانند دیگر کشورها از نظر آماری پایا نیستند ولی به گونه‌ای که در جدول شماره یک نشان داده شده است، تغییرات درجه اول همه آنها در سطح یک

○ کمابیش همه می‌پذیرند که مسئله بنیادی کشورهای در حال توسعه، در گذشته و حال و آینده، به دست آوردن و انباشت سرمایه و تکنولوژی بوده، هست، و خواهد بود.

( $\epsilon_{1t}$  and  $\epsilon_{2t}$  are assumed to be independent and uncorrelated,  $\sum \gamma_k \neq 0$ ,  $\sum \alpha_k \neq 0$ )

$$GDP_t = \sum \alpha_k DRPI_{t-k} + \sum \beta_j GDP_{t-k} + \epsilon_{1t} \quad (1)$$

$$DRPI_t = \sum \gamma_k DRPI_{t-k} + \sum \lambda_j GDP_{t-k} + \epsilon_{2t} \quad (2)$$

### جدول شماره ۲

	Null Hypothesis: فرضیه‌ها	#of obs.	F-Statistic Wald stat.	P-value
1-a الف-۱	DRPI does not Granger cause DRS سرمایه‌گذاری مسبب گرنجر پس‌انداز خصوصی نیست	40	0.52570	0.47298
1-b ب-۱	DRS does not Granger cause DRPI پس‌انداز مسبب گرنجر سرمایه‌گذاری خصوصی نیست	40	7.85685	0.00801
2-a الف-۲	DRPI does not Granger cause DRYD سرمایه‌گذاری خصوصی مسبب گرنجر درآمد ملی نیست	40	0.85727	0.36050
2-b ب-۲	DRYD does not Granger cause DRPI درآمد ملی مسبب گرنجر سرمایه‌گذاری خصوصی نیست	40	6.05189	0.01868

شود. از آمارهای ایران که در این پژوهش به کار گرفته شده است روشن می‌شود که پس‌انداز مسبب گرنجری سرمایه‌گذاری خصوصی و درآمد ملی مسبب گرنجری سرمایه‌گذاری خصوصی است. بنابراین سیاست‌های مالی و پولی باید در جهت تشویق پس‌انداز عمومی باشد زیرا افزایش پس‌انداز، سرمایه‌گذاری خصوصی، رشد و توسعه اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

### باور قیها و یادداشتها

۱. سمیر امین یک رشته علل بالقوه از جمله اوپک، اتحاد جماهیر شوروی سابق، کشورهای صنعتی، دغدغه‌های زیست‌محیطی، فروپاشی رسوم و عادات و شعائر برای شکست کشورهای در حال توسعه و بحرانهای پی‌درپی در کشورهای کاپیتالیستی بر شمرده است. سمیر امین و همفکرانش اعتقاد دارند که خود «سیستم کاپیتالیستی جهانی» استعداد بحران‌پذیری و بحران‌گرایی دارد و بحرانها از خود سیستم سرچشمه می‌گیرند.

Samir Amin, et al., *Dynamics of Global Crisis*, Monthly Review Press, p.9, 1982.

۲. برای نمونه رجوع کنید به:

D. Dollar, "Outward-Oriented Developing Economies Really Do Grow More Rapidly: Evidence from 95 LDCs, 1976-1985", *Economic Development and Cultural Change* 40 (1992): 523-44.

درباره آثار مثبت سیاست تجارت آزاد بر توسعه نگاه کنید به:

Zaki Eusufzai, "Openness, Economic Growth, and Development: Some Further Results", *Economic Development and Cultural Change* 79 (1996): 333-338.

درباره آثار مثبت سیاست تجارت آزاد بر توسعه در کشورهای اروپای شرقی نگاه کنید به:

Lucian Cernat and Radu Vranceanu, "Globalization and Development: New Evidence From Central and Eastern Europe", *Comparative Economic Studies*, XLIV, no. 4 (Winter 2002), 119-136.

درباره نظریه‌های مخالف تجارت آزاد رجوع شود به:

Tariq Banuri, *Economic Liberalization, No Panacea: The Experiences of Latin America and Asia*, Oxford, New York: Oxford University Press, 1991.

ب- نتایج آماری سیستم علیت گرنجر چنان که در جدول شماره دو نشان داده شده است، چهار فرضیه را با بهره‌گیری از سیستم اقتصادسنجی «ای یوز» به آزمون گذاشته‌ایم. به گونه‌ای که از آمارهای اف و پی برمی‌آید، دو فرضیه ۱-ب و ۲-ب از نظر آماری با معنی است و دو فرضیه ۱-الف و ۲-الف از نظر آماری با معنی نیست. بنابراین فرضیه ۱-ب (پس‌انداز مسبب گرنجری سرمایه‌گذاری خصوصی نیست) و ۲-ب (درآمد ملی مسبب گرنجری سرمایه‌گذاری خصوصی نیست) را از نظر آماری رد می‌کنیم و خلاف آنها را می‌پذیریم. بنابراین می‌پذیریم که پس‌انداز مسبب گرنجری سرمایه‌گذاری خصوصی و درآمد ملی مسبب گرنجری سرمایه‌گذاری خصوصی است.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

به دست آوردن و انباشت سرمایه و دستیابی به تکنولوژی پیشرفته، مسئله مهم کشورهای در حال توسعه بوده، هست، و خواهد بود. به نظر می‌رسد که کمابیش همه صاحب‌نظران در زمینه توسعه در این مورد هم عقیده‌اند ولی در این باره که چگونه باید این مسئله را حل کنند اتفاق نظر ندارند.

بیشتر کشورهای جنوب، به علت سطح پایین درآمد، نتوانسته‌اند و نمی‌توانند سرمایه و تکنولوژی پیشرفته به دست آورند و انباشت کنند. سطح پایین درآمد علت کم بودن پس‌انداز آنها بوده و بی‌پس‌انداز هم سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست. ولی سطح پایین سرمایه‌گذاری یکی از متغیرهای مهم برای توضیح سطح پایین درآمد این کشورها است. بنابراین به نظر می‌رسد که آنها در یک چرخه معلول گرفتار آمده‌اند: سرمایه‌گذاری کم به درآمد پایین و ناگزیر به پس‌انداز اندک می‌انجامد و این، به نوبه خود علت اصلی سرمایه‌گذاری اندک است. تاکنون همه بر این پندار بوده‌اند که دولت‌ها باید سرمایه‌گذاری را تشویق کنند زیرا تشویق‌های مالی و پولی سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران سود به دست آمده از سرمایه‌گذاری خود را بار دیگر در کشور سرمایه‌گذاری کنند و رشد و توسعه آغاز

○ تئوریهای توسعه سرمایه‌داری که بر پایه تئوریهای نئوکلاسیک نوشته شده است کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را در چارچوب جوامع یا اقتصادهای دوگانه تجزیه و تحلیل می‌کند و برخاسته از این باور است که در کشورهای در حال توسعه ویژگیهایی که لازمه توسعه است و در کشورهای توسعه یافته دیده می‌شود، وجود ندارد. همچنین، این گونه کشورها ویژگیهایی دارند که جلوی رشد و توسعه را گرفته یا دست کم این روند را دشوار کرده است.

صاحبان صنایع سنتی، برخلاف دید صاحبان صنایع مدرن و دولت، ممکن است مدرنیته را تجاوز به مال و ثروت خود بینگارند، نه پیشرفت اقتصادی.

۶. «این تمدن اروپایی است که در گذر قرن‌ها توسعه جغرافیایی، سیاسی، و فکری يك ماتریسی برای رشد اقتصادی ارائه داده است... انقلاب فکری با ارائه علوم، انقلاب معنوی با سکیولاریزه کردن ادیان مسیحی و کلیسی، و انقلاب جغرافیایی یا تشکیل کشور و دولت همگی در چارچوب تمدن اروپایی و نه آسیایی، آفریقایی یا آمریکایی رخ نموده است.»

Simon Kuznets, "The Present Underdeveloped Countries and Past Growth Patterns", in T.Morgan and G. Betz, eds., **Economic Development** (Belmont, California: Wadsworth, 1970), p. 16.

۷. در واقع طرفداران تئوری مدرنیته آثار منفی پروسه از جمله بدتر شدن تقسیم درآمد و ثروت را که پال باران شرح داده و ایرما ایدلمن از نظر آماری تأیید کرده است را نادیده می‌گیرند.

Paul Baran, **The Political Economy of Growth** (New York: Monthly Review Press, 1957; New York: Penguin, 1973).

8. (enterprise and entrepreneurship spirit)

۹. «رشد اقتصادی استوار بر گرایشهای فکری اجتماعی در مورد کار، ثروت، و صرفه‌جویی (پس‌انداز) است... کوششهایی برای توضیح تفاوت‌های جوامع در این زمینه صورت پذیرفته است. این تفاوت‌ها را می‌توان در ادیان... یا... در يك تصادف تاریخی دید.» رجوع شود به:

Arthur Lewis, **The Theory of Economic Growth**, (Homewood, Illinois, Irwin, 1955) p.14.

۱۰. رجوع شود به:

Charles P. Kindleberger, **Economic Development** (NY: MacGraw-Hill, 1965), p. 15.

۱۱. رجوع شود به:

Manning Nash, "Approaches to the Study of Economic Growth", **Journal of Social Studies**, vol. 19, no. 1, 1963.

۱۲. برای نمونه رجوع شود به:

Paul Baran, **The Political Economy of Growth** (New York: Monthly Review Press, 1957; New York: Penguin, 1973; Arghiri Emmanuel, **Unequal Exchange** (NY: Modern Reader, 1972); André Gunder Frank, **Capitalism and Underdevelopment in Latin America** (NY: Modern Reader, 1969); "Develop-

هر چند طارق بنوری می‌پذیرد که سیاست تجارت آزاد بر سرهم به رشد اقتصادی کمک می‌کند ولی معتقد است که این کمک بی‌هزینه نیست. تجارت آزاد باعث بدتر شدن تقسیم درآمد و افزایش فقر است.

گروهی نیز معتقدند که رابطه‌ای بین سیاست تجارت آزاد و رشد اقتصادی وجود دارد ولی اثرگذاری از رشد اقتصادی به تجارت است، نه برعکس؛ بدین معنی که رشد اقتصادی است که باعث باز شدن بازارها می‌شود، نه اینکه باز شدن بازارها رشد اقتصادی را به دنبال داشته باشد. در این زمینه رجوع شود به:

Dani Rodrik, **The New Global Economy and Developing Countries: Making Openness Work**, Overseas Development Council, Washington D.C., 1999.

۳. تئوریهای نئو کلاسیک پیش‌بینی نمی‌کند که کدامین کلاس اقتصادی از این افزایش رفاه بهره‌مند یا بیشتر بهره‌مند می‌شود. کشورهای در حال توسعه همیشه معتقد بوده‌اند که بیشترین بهره‌تصب کشورهای توسعه یافته شده و می‌شود. به اعتقاد آنها کاهش نرخ تبادل کالاها به زیان کشورهای در حال توسعه (قیمتهای کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه نسبت به قیمت‌های کالاهای وارداتی آنها) باعث انحراف سود حاصل از تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری به سوی کشورهای توسعه یافته بوده است. در این باره رجوع شود به:

Raul Prebisch, **The Economic Development of Latin America and Its Principal Problems**, United Nations Commission for Latin America, New York, 1950.

۴. رجوع شود به:

Andrew Berg and Anne Krueger, "Lifting All Boats", **Finance and Development**, pp. 16-19, September 2002.

۵. در يك اقتصاد دوگانه، دو بخش مدرن و سنتی مستقل از هم و بی‌مبادله و معامله با یکدیگر وجود دارند. بنابراین برای اینکه توسعه اقتصادی تحقق پذیرد بخش سنتی باید استحاله شود و همچون بخش مدرن که با همتاهای جهانی خود همسانی دارد شود. در این پروسه، با ایجاد ارتباط همه‌جانبه با بخشهای گوناگون سیستم اقتصادی داخلی و خارجی، شیوه تولید و اداره واحد تولیدی به سراسر سیستم رخنه می‌کند و در نتیجه رشد و توسعه رخ می‌دهد. باید توجه کرد که صاحبان صنایع سنتی ممکن است مصلحت خود را در نگهداشتن سیستم به همان گونه که هست ببینند و در نتیجه با صاحبان صنایع مدرن و دولت سر نزاع و کشمکش جدی و حتی خون‌آلود پیدا کنند؛ بدین معنی که

○ بر سرهم، کشورهای جنوب در سایه سطح پایین درآمد، نتوانسته‌اند و نمی‌توانند سرمایه و تکنولوژی پیشرفته به دست آورند و انباشت کنند. سطح پایین درآمد باعث کم بودن پس‌انداز آنها بوده و بی‌پس‌انداز هم سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست. ولی سطح پایین سرمایه‌گذاری یکی از متغیرهای مهم برای توضیح پایین بودن سطح درآمد این کشورها است.

جداگانه تحلیل کرد.

۱۹. در این مورد باید به چند نکته توجه کرد. نخست اینکه، برخلاف برداشت مارکسیستی، بورژوازی جهانی به توسعه همه کشورهای علاقمند نیست. این خلاف برداشت معقولانه‌ایست که می‌گوید بورژوازی جهانی باید به توسعه همه کشورهای علاقمند باشد زیرا رشد و توسعه آنها زمینه را برای برداشت ارزش افزوده بیشتر فراهمتر می‌کند. دوم اینکه در این چارچوب اختلاف طبقاتی به اختلاف بورژوازی جهانی و بورژوازی ملی کاهش می‌یابد و اختلاف طبقاتی با بورژوازی ملی در داخل نادیده گرفته می‌شود. در این چارچوب بورژوازی ملی بعنوان ناجی و عنصر پیشرفته جامعه که می‌تواند کشور را به صورت «سرزمین موعود» در آورد، شمرده می‌شود.

۲۰. رجوع شود به:

Samir Amin, *Delinking: Toward a Polycentric World* (London: Zed Books, 1990).

۲۱. در اینجا، برای فشرده کردن بحث، به این حقیقت که افرات و تقریبات و دزدی از بیت‌المال یکی از عوامل مهم اندک بودن سرمایه‌گذاری است خودداری شده است.

۲۲. رجوع شود به:

Martin Feldstein and Phillippe Bacchetta, "National Saving and International Investment", in B. Douglas and John Shoven, eds., *National Saving and Economic Performance*, Chicago, University of Chicago Press, 1991.

۲۳. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد هر چند موانع کمی برای ورود و خروج سرمایه خارجی وجود دارد حرکت سرمایه‌های خارجی بسیار محدود است و می‌توان نتیجه گرفت که رابطه آماری بسیار نیرومند میان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز کمتر، مربوط به سرمایه‌های خارجی است. برای توضیح بیشتر در این مورد رجوع شود به:

Martin Feldstein, "Tax Policy and International Capital Flows", *Weltwirtschaftliches Archiv* 130 (4), pp. 675-97, 1994.

۲۴. رجوع شود به:

R.S. Pindyck and Daniel L. Rubinfeld, *Econometric Models and Economic Forecasts*, 4<sup>th</sup> ed., Irwin-McGraw-Hill, pp. 507, 1998.

۲۵. برای این بحث رجوع شود به:

R. W. Hafer, "The Role of Fiscal Policy in the St. Louis Equation", *Review*, Federal Reserve Bank of St. Louis, pp. 17-22, January 1982.

ment and Underdevelopment", in James Crockett, ed., *Dependence and Underdevelopment*, (NY: Anchor, 1972), pp. 19-46; Immanuel Wallerstein, *The Modern World System* (NY: Academic Press, 1974); Samir Amin, *Dynamics of Global Crisis* (NY: Monthly Review Press, 1982).

۱۳. کاربرد اصطلاح جهان سوم، در حالی که جهان دوم از هم پاشیده شده و از میان رفته است، درست نیست. ما در این مقاله آنرا برای کشورهای که در سطوح بالا نیستند و کشورهای جنوب را در بر می‌گیرند، به کار گرفته‌ایم.

۱۴. این درست مخالف وضعی است که کارل مارکس پیش‌بینی کرده بود. از دید مارکس، سرمایه‌دارها و امپریالیست‌ها، در جستجوی بازارها و منابع، به کشورهای توسعه نیافته نفوذ می‌کنند و آنها را به صورت اقتصادهای صنعتی سرمایه‌داری (ثروتمند) در می‌آورند و اینها به نوبه خود به سیستم سوسیالیستی تبدیل می‌شوند.

۱۵. «در این دنیای توسعه نیافته حقیقت مرکزی و اصلی عصر ما خود را به چشم‌های نامسلح آشکار می‌سازد: سرمایه‌داران سیستم که زمانی موتور نیرومند توسعه اقتصادی بودند، به مانعی همچنان قدرتمند در راه پیشرفت اقتصادی تبدیل شده‌اند.»

Paul Baran, *The Political Economy of Growth* (New York: Monthly Review Press, 1957; New York: Penguin, 1973), page 402.

۱۶. باید به تفاوت مارکسیست‌ها و ثومارکسیست‌ها که کشورها را به دو گروه «مرکز» و «پیرامونی» تقسیم می‌کنند توجه کرد. سرمایه‌داران کشورهای پیرامونی به سرمایه‌داران کشورهای مرکزی وابسته‌اند (بورژوازی کمپرادور) و در نتیجه مانند آنان نمی‌اندیشند و پویایی آنها را ندارند. شناخت این تمایز برای فهم تئوری توسعه نیافتگی، استدلال، و نتیجه‌گیریهایشان لازم است.

۱۷. رجوع شود به:

Dudley Seers, "The Birth, Life and Death of Development Economics", *Development and Change*, 10, 1979, p. 712; Deepak Lal, *The poverty of "Development Economics"* (London: Institute of Economic Affairs, 1983), p. 109.

۱۸. سمیر امین و همفکرانش در مرجع پیش گفته استدلال می‌کنند که تجزیه و تحلیل مسائل هر کشور تنها در چارچوب «سیستم کاپیتالیستی جهانی» امکان‌پذیر است و نمی‌توان سیاست‌های مالی، پولی، سیاسی، و اجتماعی آنها را

○ پس‌انداز عمومی و سرمایه‌گذاری لازم و ملزوم یکدیگرند و همبستگی آماری آنها بسیار نیرومند است و لی اقتصاددانان در مورد تقدم سرمایه‌گذاری بر پس‌انداز یا برعکس، برای آغاز رشد و توسعه، چندان توافق نداشته‌اند؛ بدین معنی که روشن نبوده است که پس‌انداز بیشتر باعث سرمایه‌گذاری، رشد و توسعه اقتصادی می‌شود یا باید راه توسعه را با سرمایه‌گذاری آغاز کرد.